

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۲

جلسه ۹۲ - یکشنبه ۲۸/۲/۹۳

تاکنون با بررسی مفردات حدیث لا ضرر به این نتایج دست یافته‌ایم:

حرف «لا»: ظهور اوّلی آن در نافیہ بودن است؛ زیرا بر سر اسم درآمده است.

کلمه‌ی «ضرر»: اسم مصدر به معنای زیان است.

کلمه‌ی «ضرار»: مصدر است و اظهر آن است که همان معنای حدوثی و مصدری ضرر را دارد و نهایت

آن است که مردّد بین این معنا و فعل بین الاثنین و إضرار عمدی با مؤونه و إمعان است و در نتیجه مجمل می‌شود و مطلبی اضافه بر ضرر افاده نمی‌کند.

بررسی ترکیبی روایت «لا ضرر»

با توجه به آنچه که بررسی شد، تقریباً ابزار لازم از حیث مفردات برای به دست آوردن معنای ترکیبی

حدیث لا ضرر فراهم شده است و حالت منتظره‌ای باقی نمانده است.

از حیث معنای ترکیبی، سه رویکرد اصلی در «لا ضرر» و «لا ضرار» وجود دارد:

رویکرد اوّل آنکه «لا» نافیہ باشد و ضرر منفی در واقع، نفی حکم ضرری را افاده کند. این رویکرد

مشهور است و شیخ انصاری رحمته الله و کثیری از علما آن را پذیرفته‌اند.

رویکرد دوم، رویکرد صاحب وافیہ^۱ یعنی فاضل تونی رحمته الله است که «لا» را نافیہ می‌داند و منفی را «ضرر

۱. الوافیة فی أصول الفقه، ص ۱۹۴:

غیر متدارک» (جبران نشده) می‌داند.

و رویکرد سوم مربوط به شیخ الشریعة است^۱ که «لا» را ناهیه می‌داند و در نتیجه آثاری متفاوت از برداشت مشهور بر حدیث مترتب می‌کند. مرحوم امام علیه السلام نیز ملتزم شده‌اند که «لا» ناهیه می‌باشد.^۲ با بررسی این سه رویکرد در معنای ترکیبی «لاضرر و لا ضرار» می‌توان به نتیجه‌ی مطلوب دست یافت.

بررسی رویکرد اول (مشهور)

محور این رویکرد، جناب شیخ انصاری علیه السلام است که فرموده‌اند^۳ نمی‌توانیم لاضرر را به معنای ظاهری اولی آن اخذ کنیم؛ زیرا معنای اولی لاضرر آن است که هیچ ضرری موجود نیست، در حالی که می‌دانیم ضرر وجود دارد و در عالم ضررهای زیادی اعم از سیل و زلزله و بیماری و ... وجود دارد، پس روایت نفی وجود ضرر در عالم نمی‌کند، بنابراین مقصود آن است که حکم ضرری وجود ندارد؛ یعنی «لا حکم ضرری و لا حکم ضراری».

این سخن محصل کلام شیخ بود، اما اینکه چگونه و با چه روش ادبی شناخته شده‌ای این معنا از لاضرر به دست می‌آید، توسط صاحب نظران روش‌های متفاوتی ارائه شده است که حداقل چهار نظریه برای روش رسیدن به این معنا از حدیث لاضرر ابراز شده است.

... إذ نفی الضرر غیر محمول علی نفی حقیقته، لآنه غیر منفی، بل الظاهر أن المراد به: نفی الضرر من غیر جبران بحسب الشرع.

۱. قاعدة لا ضرر (شیخ الشریعة اصفهانی)، ص ۱۸:

إنّ الراجح فی نظری القاصر إرادة النهی التکلیفی من «حدیث الضرر».

۲. تهذیب الأصول، ج ۳، ص ۵۳۲:

إذا عرفت ما أوضحناه من الامور فاعلم: أنّ المحتمل جداً - بل هو المتعیّن حسب القرائن الواصلة - أنّ قوله عليه السلام: «لا ضرر و لا ضرار» بمعنی النهی عن الضرر، ...

✓ تنقیح الأصول، ج ۳، ص ۶۰۵:

الحقّ فی معنی الحدیث: نعم لا إشکال فی أنّ قوله علیه السلام: «لا ضرر و لا ضرار» نهی، كما ذكره قدس سره، لكن الفرق: ...

۳. فرائد الاصول (ط - انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۵۳۴:

إذا عرفت ما ذكرناه فاعلم أنّ المعنى بعد التعذر إرادة الحقيقة عدم تشريع الضرر بمعنى أن الشارع لم يشرع حكماً يلزم منه ضرر على أحد تكليفياً كان أو وضعياً فلزوم البيع مع الغبن حكم يلزم منه ضرر على المغبون فينتفى بالخبر و كذلك لزوم البيع من غير شفعة للشريك و كذلك وجوب الوضوء على من لا يجد الماء إلا بثمان كثير و كذلك سلطنة المالك على الدخول إلى عذقه و إباحته له من دون استئذان من الأنصاري و كذلك حرمة الترافع عند حكام الجور إذا توقف أخذ الحق عليه.

روش اول: مجاز در تقدیر یا حذف

روش مجاز در تقدیر، نظیر چیزی است که در آیهی ﴿وَسَأَلِ الْقَرْيَةَ﴾^۱ گفته می‌شود؛ یعنی قرینه‌ی عقلیه وجود دارد که مراد «و اسئل اهل القرية» است؛ زیرا قریه قابل سؤال کردن نیست و مجاز در حذف امری است که بسیار متداول است. در ما نحن فیه نیز لفظی در تقدیر است؛ یعنی «لا حکم ینشأ منه الضرر» یا «لا حکم یرجع الی الضرر» یا «لا حکم موجب الضرر».

روش دوم: مجاز در کلمه

مجاز در کلمه یعنی لفظی که دارای معنای حقیقی خاصی است، در غیر معنای حقیقی خود به کار رود؛ مثلاً ضرر در معنای حکم ضرری به کار رفته است، چنان‌که در «رأیت اسداً فی الحمام» اسد بنا بر نظر مشهور در رجل شجاع به کار رفته است. نهایت اینکه در علاقه‌ی مسوَّغ مجازیت، بین ما نحن فیه و مثال «رأیت اسداً فی الحمام» تفاوتی وجود دارد. علاقه‌ی مجاز در «رأیت اسداً فی الحمام» مشابهت است؛ زیرا مثلاً رجل شجاع در شجاعت به شیر شباهت دارد، اما در ما نحن فیه علاقه‌ی مشابهت وجود ندارد بلکه ملاک سببیت و مسببیت است که یکی از مسوَّغات مجازیت می‌باشد؛ یعنی مسبب را در سبب به کار بردن، و چون حکم ضرری، سبب ضرر است بنابراین ضرر که مسبب است به جای سبب یعنی حکم ضرری به کار رفته است.

روش سوم: مجاز عقلی (روش محقق نائینی^۲)

عرفاً در کثیری از مواقع، اسم وضع شده برای مسبب در سبب به کار گرفته می‌شود، البته اگر سبب تولیدی باشد؛ یعنی سببی که اگر محقق شود قهراً مسبب نیز محقق می‌شود. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «أحرقت النارُ فلاناً» اگر زید فردی را در آتش انداخته باشد می‌توان گفت «أحرقَ زیدُ فلاناً» و هیچ مجازی در کلمه یا اسناد به غیر ما هو له رخ نداده است، بلکه حقیقتاً اسناد به زید داده می‌شود. هرچند به دقت عقلی و فلسفی آتش آن فرد را سوزانده است و کار زید فقط القاء بوده است، اما چون کار فاعل (زید) تولیدی بوده و مسبب بر فعل او قهراً مترتب شده است، صحیح است گفته شود «أحرقَ زیدُ فلاناً». ما نحن

۱. الیوسف / ۸۲.

۲. منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، ج ۲، ص ۶۰:

... أن مفاده أن الحكم الذي ينشأ منه الضرر بحيث يكون الضرر عنواناً ثانوياً له فهو مرفوع ... و عبارة أخرى كل حكم تكليفي أو وضعي كان هو تمام العلة للضرر أو الجزء الأخير منها فهو مرفوع ...

فیه شبیه مثال فوق است؛ چون سبب نفی شده است به نفی مسبب و آنچه مربوط به سبب تولیدی است به مسبب نسبت داده شده است.

توضیح مطلب آنکه: از آنجایی که ضرر، مسبب از حکم ضرری است و حکم ضرری سبب تولیدی ضرر است، نفی به ضرر نسبت داده شده است اما در واقع مراد از لاضرر همان حکم ضرری است. به عنوان مثال از آنجا که ضرر در وضو مسبب از وجوب وضوی ضرری است، اگر وجوب وضو محقق باشد قهراً ضرر مترتب می‌شود؛ زیرا اثر تولیدی وجوب وضوی ضرری است، در نتیجه می‌توان ضرر را بر سبب آن یعنی وجوب وضو اطلاق کرد و به جای اینکه گفته شود: «لا وجوب لوضوء ضرری» می‌توان گفت: «لا ضرر».

یا مثلاً کسی که گلوله‌ای به طرف انسانی شلیک می‌کند، هرچند حقیقتاً گلوله انسان را می‌کشد اما می‌توان گفت شلیک کننده قاتل است؛ زیرا قتل مسبب تولیدی شلیک گلوله است، لذا می‌توان قتل را به سبب نسبت داد.

البته باید توجه داشت این مجاز عقلی همان مجاز عقلی سگاکمی نیست، بلکه مراد آن است که ضرر چون حقیقتاً ناشی از حکم ضرری است، مانعی وجود ندارد که به صورت حقیقی بگوییم «لا ضرر» زیرا ضرر، مسبب تولیدی حکم ضرری است.

یک اشکال

مثال‌هایی که زده شد، مانند «أحرقت النارُ فلاناً» یا «قتل الرصاصُ فلاناً» و ... با ما نحن فیه متفاوت است. در مثال‌ها واقعاً فعل تولیدی وجود دارد و با شلیک گلوله قتل قطعاً رخ می‌دهد، به خلاف مثل ضرر و حکم ضرری؛ زیرا با جعل حکم ضرری، ضرر رخ نمی‌دهد بلکه اراده‌ی مکلفین نیز دخیل است. فرض کنید اگر وجوب وضو برای مریض واجب بود، با جعل این حکم، مریض متضرر نمی‌شود بلکه بعد از اینکه تصمیم می‌گیرد که وضوی ضرری را انجام دهد و انجام داد متضرر می‌شود. لهذا نمی‌توان حکم ضرری را سبب تولیدی دانست.

پاسخ اشکال

در عالم تشریح حکم ضرری سبب تولیدی محسوب می‌شود؛ زیرا با حکم شارع به وجوب وضو، کسی نمی‌تواند تخلف کند و اراده‌ی مکلفین اراده‌ی مقهوره است و همین مقدار کافی است در اینکه احکام را اسباب تولیدی بدانیم.

تفصیل در احکام الزامی و تجویزی

حقیقت آن است که باید تفصیل قائل شد. احکام بر دو قسم است:

گاهی حکم الزامی است، مانند وجوب وضو که اراده در برابر آن مقهور است و مکلف باید وضو بگیرد و همین مقدار کافی است تا در عالم اعتبار، حکم را سبب تولیدی بدانیم.

اما اگر حکم، تجویزی باشد مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» که بیان می‌کند انسان مسلط بر اموال خود است و می‌تواند هر کاری انجام دهد اما نفرموده است که حتماً انجام دهد، لذا نمی‌توان در این موارد گفت که حکم، سبب تولیدی ضرر است؛ زیرا حکم فقط تجویز کرده است و تجویز، مساوی با تحقق آنچه که تجویز شده است نیست، بلکه اراده‌ی مکلف هم واسطه است. بنابراین نمی‌توان گفت نسبت حکم به ضرر مطلقاً تولیدی نیست، بلکه در احکام الزامیه نسبت تولیدی وجود دارد و در احکام تجویزی نسبت تولیدی وجود ندارد.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی